

پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۴، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۷  
صفحات ۷۳۰-۷۰۷

## شرط توالی در قراردادهای الکترونیکی

محمدعلی خادمی کوشا\*

استادیار، پژوهشکده فقه و حقوق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۹۷/۸/۲)

### چکیده

یکی از مسائل و مشکلات مطرح شده در قراردادهای الکترونیکی شرطیت توالی (موالات) بین ایجاب و قبول است. زیرا بر اساس برخی مواد قانونی و آرای فقهی، وجود اتصال بین ایجاب و قبول لازم است و از طرفی در نگاه آغازین چنین به نظر می‌رسد که بین ایجاب و قبول در قرارداد الکترونیکی فاصله است و شرط توالی در قرارداد الکترونیکی رعایت‌شدنی نیست. نتیجه فقهی این مقاله پس از بررسی اصل اولی در مورد شرطیت توالی و پیشینه آن، جمع‌آوری و نقد همه دلایل شرطیت توالی و تطبیق آنها بر قرارداد الکترونیکی و نیز بررسی وجود موالات و امکان رعایت آن در این نوع قراردادها این است که اولاً موالات بین ایجاب و قبول به دلیل کافی نبودن ادله شرطیت ندارد؛ ثانیاً اگر هم دلایل ذکر شده کافی باشد، شامل قرارداد کتبی و الکترونیکی نمی‌شود؛ ثالثاً در قرارداد الکترونیکی حتی از نوع آفلاین بین ایجاب و قبول اتصال وجود دارد یا اتصال پذیر است؛ بنابراین قرارداد الکترونیکی طبق همه آرای فقهی یا محکوم به صحت است یا قابلیت انعقاد آن با رعایت شرط توالی را دارد.

### واژه‌های کلیدی

تجارت الکترونیکی، توالی ایجاب و قبول، قرارداد الکترونیکی، موالات در عقود.

---

\* رایانامه: khademi@ifca.ac.ir

## مقدمه

توالی ایجاب و قبول به معنای عدم فاصله بین ایجاب و قبول، یکی از شروطی است که گروهی از فقها آن را به عنوان شرط صحت عقد ذکر کرده‌اند. این شرط در متن قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران در ماده ۱۰۶۵ از شرایط صحت عقد نکاح شمرده شده است و شارحان مواد قانونی، این قانون را در مورد عقود دیگر نیز جاری دانسته‌اند و از قواعد عمومی معاملات محسوب کرده‌اند. (محقق داماد، بی تا: ۱۷۸؛ امامی، بی تا، ج ۱: ۱۸۹؛ طاهری، ۱۴۱۸، ج ۳: ۱۲۶). شرط مذکور در کنوانسیون بیع بین‌المللی نیز در بند ۲ از ماده ۱۸ پذیرفته شده است.

در قرارداد الکترونیکی در نگاه آغازین به نظر می‌رسد بین ایجاب و قبول فاصله افتاده و مشتری در زمانی قبول معامله را انشا می‌کند که چند روز و بلکه چندین ماه از زمان انشای ایجاب توسط اصل ساز (طرف ایجاب) گذشته است. در این وضعیت با توجه به قول به شرطیت توالی ایجاب و قبول، پرسش‌هایی مطرح می‌شود؛ از قبیل اینکه: منظور از توالی مورد نظر در شرط مذکور چیست؟ قائلان به شرطیت توالی چه ادله‌ای برای اثبات آن اقامه کرده‌اند؟ آیا ادله شرطیت توالی شامل قرارداد الکترونیکی می‌شود؟ چگونه این شرط در قرارداد الکترونیکی تحقق می‌پذیرد؟ پاسخ به این پرسش‌ها برای رسیدن به حکم قرارداد الکترونیکی از طریق بررسی فقهی شرطیت توالی و تطبیق آن در قرارداد الکترونیکی امکان‌پذیر است.

بررسی شرط توالی بین ایجاب و قبول و نتیجه‌گیری در مورد حکم قراردادهای الکترونیکی، طی مراحل ذیل امکان‌پذیر است: ۱. بیان مفهوم توالی بین ایجاب و قبول؛ ۲. پیشینه‌شناسی و بیان آرای فقیهان در شرط توالی و محدوده شرطیت آن در انواع عقود؛ ۳. اصل اولی در شرطیت توالی؛ ۴. بررسی ادله شرطیت توالی ایجاب و قبول در عقود؛ ۵. تطبیق ادله و تحقق توالی در قرارداد الکترونیکی.

### بیان مفهوم توالی بین ایجاب و قبول

توالی در لغت به معنای به دنبال هم بودن و فاصله نداشتن است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۸۸۵) و چون توالی ایجاب و قبول اصطلاح خاصی در فقه و حقوق نیست، دارای مفهوم خاصی غیر از مفهوم لغوی و عرفی نخواهد بود و سخن فقیهان اساس تحلیل مفهوم عرفی موالات است. بر این اساس با جست‌وجویی در سخن فقیهان و نیز تحلیل مفهوم عرفی موالات به نکات زیر می‌رسیم:

یکم) مفهوم فاصله نداشتن که در معنای توالی ذکر می‌شود؛ به دقت عقلی مورد نظر نیست، چرا که اولاً در مفاهیم عرفی و لغوی، دقت عرفی مورد نظر است نه عقلی و ثانیاً اساساً تحقق معنای مذکور به دقت عقلی امکان‌پذیر نیست، به همین دلیل بسیاری از اهالی فقه در موارد مختلف تصریح کرده‌اند که منظور از توالی، فاصله نداشتن عرفی است و فاصله اندک ضرری ندارد. (کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۴۹۳).

دوم) ضابطه و ملاک تحقق موالات وجود ارتباط و بقای وحدت و پیوستگی بین ایجاب و قبول است، به گونه‌ای که از نظر عرف روشن شود که قبول فعلی به عنوان جزء پایانی عقد و جوابی برای ایجاب گذشته بوده (حلی علامه، ۱۴۱۳، ج ۲: ۴۰۵؛ کرکی، ۱۴۱۴، ج ۵: ۳۱۹) و سخن مستقل و جداگانه نیست.

سوم) بر اساس عرفی بودن مفهوم موالات و با توجه به ملاک مذکور می‌توان دریافت که مقدار فاصله مورد نظر امر مشخصی نیست و بلکه امری نسبی است و همان‌طور که محقق نایینی آورده‌اند بر اساس موارد و شرایط دارای مقدار متفاوت است (آملی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۲۸۹).

### پیشینه فقهی شرطیت توالی

شرط توالی ایجاب و قبول هر چند به‌طور روشن در روایات ذکر نشده، از زمان سید مرتضی و در پی ایشان شیخ طوسی، در برخی از عقود به عنوان شرط صحت بیان شده است. (شریف مرتضی، ۱۴۱۷: ۳۶۶؛ طوسی شیخ، ۱۳۸۷، ج ۴: ۳۶۵) و پس از ایشان علامه در برخی کتب خود آورده است (حلی، علامه، ۱۴۱۴، ج ۱۷: ۱۱؛ ۱۴۱۳: ۱۵۷؛ ۱۴۱۹: ۲: ۴۵۰) و مورد پذیرش بسیاری از فقهای بعد از او قرار گرفته است (عاملی،

شهید اول، بی‌تا، ج ۱: ۲۳۴؛ حلی، فخرالمحققین؛ ۱۳۸۷، ج ۳: ۳۸۲؛ حلی، مقداد، ۱۴۰۳: ۱۶۵، ۱۴۰۴، ج ۲: ۲۴؛ ۱۴۲۵، ج ۲: ۷۲؛ فقعی، ۱۴۱۸: ۱۳۳؛ احسایی، ۱۴۱۰: ۶۹؛ کرکی، ۱۴۱۴، ج ۵: ۳۱۹؛ عاملی، شهید ثانی، حاشیه، ۱۴۲۲: ۴۱۷؛ ۱۴۱۳، ج ۴: ۱۸۱؛ بحرانی، حسین، بی‌تا، ج ۱۲: ۳۵۵؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۶: ۳۵۱.

این‌همه در حالی است که شرط توالی مورد پذیرش برخی از فقهای بزرگ واقع نشده است. فقهای بعد از شیخ تا عصر علامه، مثل ابن‌براج و ابن‌زهره و ... (طرابلسی، ۱۴۰۶، ج ۱: ۳۵۰؛ حلبی، ۱۴۱۷: ۲۰۷؛ طوسی، ۱۴۰۸: ۲۳۶) در ابواب مختلف عقود هیچ سخنی از شرط توالی ایجاب و قبول به میان نیاورده‌اند، خصوصاً مرحوم ابن‌حمزه در باب بیع همه شرایط صحت را در ۹ شرط ذکر کرده (حتی مثل ماضویت صیغه) اما حرفی از موالات به میان نیاورده است.

تا اینکه از زمان علامه با تصریح ایشان، این شرط به‌عنوان شرط عمومی عقود در متون فقهی وارد شد (حلی، علامه، ۱۴۱۴، ج ۱۷: ۱۱؛ ۱۴۱۳، ج ۲: ۱۵۷) و تا زمان محقق اردبیلی تقریباً اتفاق فقها بر شرطیت توالی بین ایجاب و قبول حاصل شد، ولی این اتفاق با نقد جناب اردبیلی شکسته شده است و گروه کثیری بر عدم شرطیت آن نظر داده‌اند (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۰: ۲۲۹؛ سبزواری، ۱۴۲۳، ج ۱: ۶۲۵؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۱: ۱۳؛ حائری، بی‌تا: ۲۷۲).

از نگاه این دسته از فقیهان که شرطیت موالات بین ایجاب و قبول را نپذیرفته‌اند، آنچه در عقد در راستای شرط توالی دارای اعتبار است، عدم فاصله زمانی نیست؛ بلکه بقای طرف ایجاب (موجب) بر التزامی بوده که در هنگام ایجاب ابراز کرده است و چنانچه حتی با فاصله عرفی هنگام ابراز قبول از سوی طرف دیگر همان التزام طرف ایجاب باقی باشد، برای انعقاد عقد کفایت می‌کند و آنچه مهم خواهد بود، عدم اعراض طرف ایجاب است. محقق اصفهانی و سید حکیم و امام خمینی و نیز محقق خوبی و برخی دیگر بر این عقیده‌اند (اصفهانی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۲۸۴؛ حکیم، ۱۴۱۶، ج ۱۴: ۳۷۹؛ ۱۳۷۱: ۱۰۵؛ شهیدی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۹۵؛ خمینی، سید مصطفی، بی‌تا، ج ۲: ۱۲؛ خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۳۴۱؛

قدیری، ۱۳۷۶: ۲۱۰؛ توحیدی، ۱۴۲۶، ج ۳: ۵۶ - ۵۸) و کسانی که به لزوم موالات تصریح کرده‌اند اما ملاک موالات را فاصله‌ای دانسته‌اند که ایجاب‌کننده اعراض کند و در صورت انتظار قبول وجود فاصله را مبطل ندانسته‌اند، داخل همین دسته خواهند بود. مثل سید یزدی و برخی دیگر (یزدی، ۱۴۲۱، ج ۱: ۹۰؛ تبریزی؛ ۱۴۲۶، ج ۲: ۱۸).

با در نظر گرفتن آرای فقیهان مذکور به نظر می‌رسد در نگاه قانونگذار نیز عمومیت شرطیت این شرط پذیرفتنی نبوده، زیرا این شرط را فقط در مورد عقد نکاح ذکر کرده است و می‌دانیم که نکاح از جهات متعددی دارای حساسیت و محل احتیاط است و لذا به همه عقود و قراردادها سرایت‌پذیر نیست؛ خصوصاً که قانونگذار در مواد مربوط به عقود و قراردادها با اینکه شروط مشترک دیگر را ذکر کرده، هیچ سخنی از شرط توالی به میان نیاورده است. به همین دلیل بعید نیست که از نگاه قانونگذار نیز فقط وقوع عرفی و ارتباط عرفی بین ایجاب و قبول مورد نظر است و اما موالات بین ایجاب و قبول هیچ شرطیتی ندارد.

با بیان فوق معلوم شد که ترک تصریح قانونگذار نسبت به شرطیت موالات در غیرنکاح با تأیید برخی فقیهان پشتیبانی می‌شود و در بررسی ادله نیز معلوم خواهد شد که توجیه فقهی دارد، هر چند برخی (محقق داماد، بی تا: ۱۷۸) ترک مذکور را فاقد وجه دانسته‌اند.

### اصل اولی در شرطیت توالی

از آنجا که امکان دارد در مواردی نسبت به عمومیت و شمول ادله شرطیت توالی دچار شک و تردید شویم یا در مقام استدلال با ادله متعارض یا فقدان ادله برخورد کنیم، نیازمند تأسیس یک اصل برای رجوع به آن در موارد مذکور هستیم. به همین دلیل به دست آوردن مقتضای اصل اولی در شرطیت توالی در مورد قراردادهای الکترونیکی لازم به نظر می‌رسد. برخی از فقیهان اصل اولی را شرطیت موالات دانسته‌اند، با این توضیح که بدون حصول موالات در حصول اثر عقد شک می‌کنیم و در این صورت اصل بر عدم حصول اثر است، در نتیجه برای تحصیل اطمینان به حصول اثر باید موالات را رعایت کرد (مامقانی، ۱۳۱۶، ج ۲: ۲۵۲).

در نقد نظر مذکور گفتنی است که وصول نتیجه در مورد اصل اولی در شرطیت توالی مبتنی بر انگاره ما از توالی بین ایجاب و قبول و متعلق شک است، به این صورت که بستگی دارد به اینکه احتمال دهیم این شرط از نوع شرط‌های مقوم مفهوم عقد است و شک ما به لحاظ آن در مفهوم عقد تعلق گرفته باشد یا احتمال دهیم که از نوع شرط‌های شرعی خارج از مفهوم عرفی عقد است و شک ما به لحاظ شرعی تعلق گرفته که آیا شرع مقدس غیر از صدق عرفی عقد، چیز دیگری را لحاظ کرده است یا خیر؟

اگر احتمال دهیم که موالات در عقد از مقومات مفهوم عقد باشد، اصل اولی در مورد آن، شرطیت خواهد بود؛ ولی اگر موالات از امور خارج از مفهوم عقد باشد، اصل اولی عدم شرطیت آن خواهد بود و راز این تفکیک در آن است که در اجزا و شرایط عرفی، اصل جاری در مورد آنها اصل شرطیت و اصل جزئیت است، چون صدق عنوان عقد بدون آنها مشکوک خواهد بود و اما در مورد شک در اجزا و شرایط شرعی، اصل بر عدم است، به دلیل اینکه عنوان عقد بدون آنها صدق عرفی دارد و شرطیت امری زائد از آن نیازمند دلیل است که در فرض عدم دلیل، اصل عدمی جاری می‌شود.

با این توضیح که با توجه به اینکه در بررسی ادله شرطیت توالی اثبات خواهیم کرد که توالی ایجاب و قبول، نه از جنبه معنای لغوی در مفهوم عقد لحاظ شده است و نه از جهت عرفی در صدق عرفی عقد دخالتی دارد؛ از این جهت بر اساس ضابطه فوق، پی می‌بریم که با توجه به صدق عرفی عقد بر عقد بدون موالات، اصل اولی بر عدم شرطیت است.

#### ۴. ادله شرطیت توالی و بررسی آنها در قرارداد الکترونیکی

در مورد شرطیت توالی بین ایجاب و قبول، از سوی موافقان و مخالفان دلیل‌هایی اقامه شده و گاهی نقد هم شده است که در اینجا به مهم‌ترین آنها می‌پردازیم:

##### ۴.۱. ادله شرطیت توالی و نقد آنها

مهم‌ترین دلیل‌های شرطیت موالات بین ایجاب و قبول در پنج عنوان خلاصه می‌شود:

#### **دلیل اول: توقف صدق عرفی بیع بر توالی ایجاب و قبول**

برخی فقیهان مانند سید مرتضی بر این عقیده‌اند که اگر ایجاب و قبول با هم انجام گیرند،

بیع تحقق می‌گیرد و اگر ایجاب انجام پذیرد و طرف مقابل بدون اینکه قبول کند، از دیگری جدا شود؛ ایجابی که انجام گرفته است باطل می‌شود و قبول طرف دیگر فایده‌ای ندارد؛ زیرا واژه «متبایعان» فقط در صورتی بر دو طرف صدق می‌کند که ایجاب و قبول با هم انجام گرفته باشد (شریف مرتضی، ۱۴۱۷: ۳۶۶).

در ظاهر شیخ طوسی نیز از نظر سید مرتضی تبعیت کرده و دلیل شرطیت توالی در باب خلع را باطل شدن ایجاب در صورت فاصله افتادن قبول دانسته است (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۴: ۳۶۵). بر همین اساس دلیل مذکور را می‌توان توسعه داد و در مورد عقود دیگر نیز جاری دانست، همان‌طور که شیخ انصاری سخن شهید اول را برای بیان شرطیت توالی به همین وجه توجیه کرده است (که در توضیح دلیل سوم خواهد آمد) و نیز محقق مامقانی یکی از ادله شرطیت توالی را عدم صدق عقد در صورت فاصله افتادن بین ایجاب و قبول دانسته است (مامقانی، ۱۳۱۶، ج ۲: ۲۵۲).

در دو مرحله می‌توان دلیل مذکور را ملاحظه کرد: مرحله نخست به‌عنوان دلیل کلی بدون توجه به قرارداد الکترونیکی؛ مرحله دوم با توجه به قرارداد الکترونیکی. در مرحله نخست ملاحظاتی بر دلیل اول وارد است:

اولاً: به‌کارگیری لفظ «بعث» و امثال آن در ناحیه ایجاب به‌روشنی بیان می‌کند که صدق بیع یا امثال آن هیچ ترتبی بر در پی آمدن قبول ندارد و صرفاً با انشای ایجاب، عقد مورد نظر قابل انشا شدن است؛ وگرنه انشای ایجاب با استعمال حقیقی لفظ «بعث» و امثال آن امکان نداشت و حال آنکه می‌دانیم انشای بیع و عقد، با همان ایجاب مثل «بعث» یا ... تحقق می‌گیرد. خصوصاً در بین فقیهان عصر اخیر نیز برخی مثل امام خمینی در مورد ماهیت عقد نیز این مبنا را دارند که عقد با یک طرف انشا می‌شود و قبول طرف دیگر صرفاً شرط تأثیر آن است، نه شرط تحقق آن.

اگر گفته شود که معنای حقیقی بیع و امثال آن بعد از تحقق قبول صورت می‌گیرد، لازمه‌اش این است که بگوییم لفظ به‌کاربرده‌شده در ایجاب (مثل بعث) در معنای مجازی استعمال شده که موجب بطلان ایجاب است یا باید بگوییم ایجاب عقد متوقف بر قبول

است که این نیز موجب تعلیق در انشا و دور می‌شود، زیرا قبول عقد هم متوقف بر ایجاب است.

ثانیاً: اگر انفصال ایجاب و قبول موجب عدم صدق عقد شود، باید در مورد عقود جایز نیز شرطیت داشته باشد؛ در حالی که قائلان به شرطیت توالی فقط در مورد عقود لازم قائل به شرطیت هستند، نه در عقود جایز (فقعانی، ۱۴۱۸: ۲۰۶؛ کرکی، ۱۴۱۴، ج ۸: ۵۴) به همین دلیل برخی از فقیهان در ردّ دلیل مذکور ضمن ادعای اتفاق بر عدم شرطیت موالات در عقود جایز، این نقض را وارد کرده‌اند (مامقانی، ۱۳۱۶، ج ۲: ۲۵۲؛ یزدی، ۱۴۲۱، ج ۱: ۹۰؛ شهیدی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۹۷).

با توجه به نقد فوق، استدلال مرحوم سید مرتضی و برخی دیگر از فقهای همسو با ایشان، قابل مساعدت نیست؛ خصوصاً سخن شیخ طوسی که بسیار به مصادره نزدیک است، زیرا ایشان برای اثبات بطلان قبول در صورت فاصله افتادن بین آن و ایجاب، به باطل شدن ایجاب در اثر تأخیر قبول استناد کرده‌اند و معلوم است که این عین همان مدعاست مگر اینکه منظورشان همان دلیل سید مرتضی باشد.

برخی فقیهان مانند محقق نایینی در پاسخ به اشکال نقض، عقود جایز را اساساً عقد ندانسته‌اند؛ بلکه آن را از سنخ اذن دانسته‌اند که در یک تسامح عرفی به آنها عقد گفته می‌شود و عمومات دلیل وجوب وفا به عقود شامل آنها نمی‌شود (آملی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۲۹۰؛ خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۱۲).

این سخن محقق نایینی ظاهراً برخلاف صدق عرفی بوده و ادعای تسامح در اطلاق عقد بر عقود جایز صرفاً یک ادعای خلاف ظاهر و عاری از دلیل مناسب است و بلکه برخلاف دلیل محسوب می‌شود، زیرا شناخت موضوع<sup>۱</sup> و معنای حقیقی الفاظ راه‌هایی دارد که برخی از آنها مثل تبادل و صحت حمل و اطّراد در مورد عقود جایز و حتی عقود اذنی مثل وکالت نیز جاری است و همه حکایت از این دارد که عقود مذکور از مصادیق حقیقی عقد هستند، به همین دلیل فقها در مورد ایجاب و قبول آنها سخن گفته‌اند و اگر



عقد نبودند و صرفاً اذن بودند، فقها در مورد ایجاب و قبول آنها نباید سخن می‌گفتند و حمل فعل فقها بر تسامح عرفی، خود یک تسامح علمی است. در مرحله دوم (بررسی دلیل شرطیت با توجه به قرارداد الکترونیکی) ملاحظه‌ای وارد می‌شود که به صورت کلی در همه دلایل‌های شرطیت توالی وارد است و از این پس در نقد ادله تکرار نمی‌شود و آن اینکه دلیل مذکور از نگاه عرفی شامل قرارداد الکترونیکی نمی‌شود، زیرا در این نوع قرارداد، ارسال تراکنش از سوی قبول‌کننده هر چند با فاصله زمانی از آغاز بارگذاری سامانه در فضای مجازی انجام گیرد، باز هم عنوان قرارداد بر آن صدق می‌کند و راز آن هم این است که اساساً امکان فاصله انداختن بین ایجاب و قبول در قرارداد الکترونیکی وجود ندارد؛ زیرا پیوسته قبول در سامانه الکترونیکی در کنار ایجاب و ارتباط بسیار روشن و معنادار با آن حاصل می‌شود.

#### دلیل دوم: معهود بودن توالی

این دلیل از عبارت بزرگانی مثل علامه و شارحان کلام ایشان و عبارت شهید ثانی به دست می‌آید (حلی علامه، ۱۴۱۳، ج ۲: ۱۵۷؛ عاملی شهید ثانی، ۱۴۲۲: ۴۱۷؛ ۱۴۱۳، ۴: ۱۸۱؛ بحرانی، بی تا، ۱۲: ۳۵۵؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۶: ۳۵۱) زیرا برخی از بزرگان در هنگام بیان شرط توالی با ذکر وصف «المعهود» برای آن، به دلیلش اشاره کرده‌اند. چنانکه در عبارت علامه در باب ضمان آمده است: «اعتبر فيه التواصل المعهود بین الایجاب و القبول فی العقود». شاید به همین دلیل بزرگانی مثل سید مجاهد از سوی فقهای که قائل به شرطیت موالات شده‌اند، معهودیت مذکور را در عداد ادله اثبات موالات در عقد آورده است (حائری، بی تا: ۲۷۲).

در نقد دلیل دوم می‌توان گفت:

اولاً معهود و متعارف بودن توالی پذیرفته نیست و آنچه مشاهده می‌شود به خاطر ویژگی غالب معاملات است، زیرا غالباً معاملات با حضور طرفین هستند؛ اما در مواردی که معاملات به صورت غیرحضور و کتبی انجام می‌گیرد، به طور مسلم توالی رعایت

نمی‌شود. شاید به همین دلیل برخی بزرگان مثل مرحوم سید مجاهد این دلیل را فی‌نفسه ضعیف دانسته‌اند (حائری، بی‌تا: ۲۷۲).

ثانیاً: حتی اگر معهود بودن مذکور پذیرفته شود، زمانی می‌توان سخن از انحصار امضای شرعی نسبت به آن گفت که امضای شرعی بر اساس سیره عقلایی یا سیره متشرعه اثبات شود؛ به این معنا که گفته شود صرفاً آنچه در بین مردم رایج بوده، تقریر شده است؛ اما در مورد محل بحث که امضای شرعی از ادله لفظی عام و مطلق به‌دست می‌آید، این سخن جایی ندارد و معهود بودن موجب تقیید و تخصیص مطلقات و عمومات نمی‌شود.

ثالثاً: دلیل مذکور در جایی پذیرفتنی است که هیأت ترکیبی معامله به‌گونه‌ای تغییر کند که از نگاه عرف، امکان سلب عنوان معامله از آن وجود داشته باشد تا عمومات عقود، بیع و تجارت شامل آن نشود. اما اگر مفهوم عرفی و لغوی معاملات دارای اطلاق و فراگیری مفهومی باشند و انحصاری در مصادیق متعارف نداشته باشند، دلیلی بر محدود کردن عناوین کلی عقود و معاملات وجود ندارد؛ بلکه در این موارد اصل اطلاق و عموم جاری می‌شود. شاید به همین دلیل برخی بزرگان فقه بر فرض قبول دلیل معهودیت عرفی، آن را به‌دلیل تعارض با عمومات عقود مردود دانسته‌اند (حائری، بی‌تا: ۲۷۲).

رابعاً: چگونه ممکن است با اینکه مسئله مذکور از موارد پرابتلا در معاملات است، در این‌همه روایات که در مورد معاملات هستند و نیز در بحث‌های فراوان فقهای سلف، در مورد شرایط عقود و معاملات هیچ اشاره‌ای به شرطیت توالی ایجاب و قبول نشده باشد. به همین دلیل برخی از فقها همین مطلب را همسنگ با عمومات عقود در تعارض با دلیل مذکور دانسته‌اند (حائری، بی‌تا: ۲۷۲).

بنابراین با توجه به اطلاق ادله عقود و صدق عناوینی مثل عقد، بیع و تجارت بر معاملاتی که بین ایجاب و قبول آنها فاصله افتاده است، نمی‌توان فقدان شرط توالی را موجب بطلان آنها دانست و تا زمانی که صدق عنوانی وجود داشته باشد، می‌توان این عمومات را دلیل نفی شرطیت توالی و بیانگر توسعه امضای شرعی نسبت به عقود عرفی دانست.

### دلیل سوم: هیأت اتصالی کلام

از نظر شهید اول و برخی پیروان ایشان، اعتبار موالات برگرفته از اعتبار اتصال بین استثنا و مستثنی منه است (عاملی شهید اول، بی تا، ج ۱: ۲۳۴؛ حلی، مقدار، ۱۴۰۳: ۱۶۵) در توضیح این سخن می توان گفت که استثنا جزء تکمیلی سخن بوده و باید به صورت متصل و بدون فاصله از مستثنی منه ذکر شود. در مورد قبول نیز که جزء تکمیلی عقد است، باید بدون فاصله ذکر شود تا اتصال اجزای عقد حفظ شده باشد.

شیخ انصاری با رویکرد توجیه‌گرانه نسبت به کلام شهید اول سعی کرد سخن شهید را به گونه‌ای توضیح دهد که برخی از اشکال‌های احتمالی بر او وارد نشود. ایشان حاصل کلام شهید را این گونه آورده است که: هر امر تدریجی وقتی در نظر عرف دارای صورت اتصالی باشد، برای ترتب حکمی که شرعاً بر آن ثابت شده است، باید آن صورت اتصالی مورد اعتبار قرار گیرد. در نتیجه عقدی که مرکب از ایجاب و قبول بوده و قوام آن به وجود طرفین عقد وابسته است، به منزله یک کلام واحد است که اجزای آن با هم در ارتباطند. بنابراین فاصله افتادن بین اجزای کلام (ایجاب و قبول) بر صورت اتصالی آن خلل وارد می‌کند، به همین دلیل وقتی فاصله طولانی مثل یک سال بین ایجاب و قبول واقع شود، دیگر از نظر عرفی «تعاقد» صدق نمی‌کند (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۳: ۱۵۹).

شیخ انصاری ضمن تحسین کلام شهید فقط این اشکال را وارد می‌داند که اگر دلیل حکم به ملکیت و لزوم آن در معامله، وابسته به صدق «عقد» نباشد، بلکه وابسته به صدق «بیع» یا «تجاره عن تراض» باشد، دیگر دلیل مذکور اثری ندارد؛ زیرا عدم صدق عقد در صورتی که دلیل ما «احل الله البیع یا تجاره عن تراض» باشد، ضرری در حکم مذکور نمی‌زند (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۳: ۱۵۹).

پیدا است که شیخ انصاری سخن شهید را به گونه‌ای توضیح داد که محور اصلی آن را عدم صدق عقد در صورت وجود فاصله بین ایجاب و قبول دانسته است. بنابراین حاصل آن به دلیل اول برمی‌گردد که ما ذکر کردیم و همان اشکال‌هایی که بر دلیل اول وارد شد، بر سخن شهید طبق توجیه شیخ انصاری هم وارد می‌شود.

سخن مرحوم شهید از سوی برخی فقیهان نقد و بررسی شده و اشکال‌هایی که بر دلیل دوم وارد بود، از سوی برخی فقیهان بر این دلیل نیز وارد شده است (حائری، بی‌تا: ۲۷۲). علاوه بر آن، اشکال‌های دیگری هم بر این دلیل وارد است که از آن جمله‌اند:

اولاً: برگرفته شدن توالی ایجاب و قبول از مستثنی و مستثنی‌منه ادعایی صرف، بدون شاهد عرفی و بلکه برخلاف عرف است؛ زیرا عرفاً این دو خیلی از هم فاصله بسیار دارند و چگونه می‌توان از اتصال استثنا و مستثنی‌منه، اتصال ایجاب و قبول را به‌دست آورد (موسوی قزوینی، ۱۴۲۴، ج ۲: ۶۱). ایجاب و قبول دو انشا و دو سخن تام و کامل از دو متکلم است؛ در حالی که استثنا و مستثنی‌منه هر کدام کلام ناتمامی از یک گوینده‌اند که با هم یک کلام محسوب می‌شوند و نمی‌توان از لزوم اتصال بین اجزای کلام از یک گوینده، لزوم اتصال بین دو کلام از دو گوینده را به‌دست آورد؛ هر چند که هر دو با هم در پی ایجاد یک غرض باشند.

ثانیاً: وجود خصوصیات لفظی و قواعد نحوی و نیز گاهی اغراض معنوی مثل حفظ صدق سخن، موجب عدم جواز فاصله و تأخیر انداختن استثنا از مستثنی‌منه است که هیچ‌کدام در مورد ایجاب و قبول وجود ندارد.

ثالثاً: ما دلیل صحیحی نمی‌بینیم که عموم وجوب وفا به عقود، شامل عقد فاقد موالات نشود؛ زیرا روشن است که مفهوم عقد از نگاه لغت و عرف صرفاً به معنای انشای ایجاب و قبول نیست؛ بلکه عقد عبارت است از «مطلق عهد» یا «عهد مشدد» و این معنا امری نفسانی محسوب می‌شود که قوامش به وجود ایجاب‌کننده و قبول‌کننده وابسته است و هرگز این امر نفسانی با فاصله افتادن بین ایجاب و قبول لفظی از بین نمی‌رود؛ بلکه همین قدر لازم است که لفظ ارائه‌شده بیانگر آن اعتبار نفسانی باشد و این مطلب در سخن برخی از فقها مورد توجه و تصریح قرار گرفته است (خمینی امام، ۱۴۱۵، ج ۱: ۳۴۴؛ توحیدی، ۱۴۲۶، ج ۳: ۵۴).

خلاصه اینکه در مفهوم عرفی و لغوی عقد، هیچ قیدی وجود ندارد که بیان‌کننده اعتبار اتصال زمانی بین ایجاب و قبول باشد؛ بلکه صرفاً باید هر دو انشا به‌گونه‌ای باشند که

معلوم باشد با هم مرتبطند تا بتوانند با هم پیوند بگیرند و مفهوم عقد توسط طرفین با همین ربط بین ایجاب و قبول تحقق می‌یابد (اصفهانى، ۱۴۱۸، ج ۱: ۲۸۴).

#### **دلیل چهارم: انصراف عمومات و عدم دلیل بر صحت عقد بدون موالات**

ادله عقود مثل «اوفوا بالعقود» «احل الله البيع» و ... همه به مصادیق متعارف آن انصراف دارند و متعارف این است که ایجاب و قبول بدون فاصله انشا می‌شوند، در نتیجه عمومات مذکور فقط شامل این نوع شده و برای اثبات صحت عقودی که بین ایجاب و قبول در آنها فاصله افتاده است، دلیلی باقی نمی‌ماند.

دلیل فوق را برخی از فقها مثل سید علی موسوی قزوینی معاصر و شاگرد شیخ انصاری ذکر کرده و برخی از محشین کلام شیخ انصاری نیز نقل کرده‌اند (موسوی قزوینی، ۱۴۲۴، ج ۲: ۶۱۲؛ شهیدی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۹۵).

این دلیل هم از جهت صغری و هم از جهت کبری قابل حمایت نیست:

اما از جهت صغری به جهت این است که اساساً همان‌طور که در رد دلیل دوم بیان شد، متعارف بودن اعتبار اتصال بین ایجاب و قبول و غیرمتعارف بودن فاصله بین آن دو پذیرفتنی نیست، بلکه حتی برخی از فقیهان عدم اعتبار موالات را مورد سیره قطعی دانسته‌اند (توحیدی، ۱۴۲۶، ج ۳: ۵۶).

اما از جهت کبری (اینکه متعارف بودن سبب انصراف است) همان‌گونه که برخی نیز در جواب گفته‌اند: متعارف بودن برخی از مصادیق موجب انصرافی نمی‌شود که بتواند مطلق را مقید کند (روحانی، ۱۴۲۹؛ ج ۳: ۲۲۶) زیرا متعارف بودن مصادیق و کثرت وجودی منشأ انصراف وجودی است، در حالی که انصرافی که موجب تقیید مطلق می‌شود، انصراف استعمالی است که در اثر کثرت استعمال به وجود می‌آید نه کثرت وجود.

#### **دلیل پنجم: دلیل عقلی**

محقق نایینی مسئله نقل و انتقال را به خلع و لبس تشبیه و در برخی از بیانات خود به‌گونه‌ای بیان کرده که مسئله به‌عنوان مسئله عقلی لحاظ شده است (خوانساری، ۱۳۷۳، ج

۱: ۱۱۱). هر چند در برخی از بیانات دیگر به گونه عرفی بیان کرده‌اند (آملی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۲۹۱).

ایشان در توضیح دلیل عقلی آورده‌اند که: عقود دربردارنده دو مفهوم خلع و لبس (نقل و انتقال) و یا ایجاد یک علقه هستند، در نتیجه همزمان با خلع و ایجاد علقه باید یک لبس و یک پذیرش علقه وجود داشته باشد، وگرنه محال لازم می‌آید؛ زیرا نقل و انتقال با هم متضایف هستند و مضاف بدون مضاف‌الیه واقع نمی‌شود، چنانکه علقه عرض است و بدون محل پذیرنده آن حاصل نمی‌شود (خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۱۱؛ آملی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۲۹۱).

آنگاه با وجود این استدلال در مورد عقود عهدی مثل هبه و رهن، شرطیت موالات را مشکل دانسته است، زیرا سیره قطعی بر عدم اعتبار موالات در مصادیق معاطاتی در این نوع عقود جاری خواهد بود، مثل ارسال هدیه برای فرد دیگری در سرزمینی دور از هدیه‌کننده. سپس اشکال را با این بیان مرتفع کرده که در این موارد تا زمانی که هدیه به طرف مقابل نرسیده، ایجاب صورت نگرفته است (خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۱۲).

دلیل مذکور از جهاتی جای نقد دارد؛ همان‌طور که فقهای پس از محقق نایینی، از جهاتی آن را نقد کرده است. بیشتر این نقدها از سوی حضرت امام خمینی وارد شده‌اند. این انتقادات به شرح زیرند:

۱. اگر دلیل عقلی مذکور پذیرفته شود، لازمه‌اش این است که هیچ عقدی در عالم صحیح واقع نشود، زیرا اضافه بدون مضاف‌الیه محال است، چه در زمان کوتاه آنی و چه در زمان طولانی. (خمینی امام، ۱۴۱۵، ج ۱: ۳۴۲؛ توحیدی، ۱۴۲۶، ج ۳: ۵۵) حتی اگر قبول به صورت متصل به ایجاب انجام گیرد، باز هم همین محذور عقلی لازم می‌آید؛ زیرا با اتمام ایجاب «خلع» صورت می‌گیرد و با توجه به تدریجی بودن قبول از زمان شروع تا اتمام قبول هنوز «لبس» صورت نگرفته است و لذا در این فاصله محذور عقلی لازم می‌آید (خمینی امام، ۱۴۱۵، ج ۱: ۳۴۲).

۲. خلع و لبس در طرف ایجاب‌کننده به صورت مطلق نیست، وگرنه باید قبل از قبول در خارج، تحقق بگیرد؛ در حالی که حتی در نظر ایجاب‌کننده قبل از آن تحقق نمی‌گیرد تا

چه رسد به امضای عقلا و شارع. بلکه خلع و لبس در نظر بایع متوقف بر قبول مشتری و بر فرض قبول است. بنابراین دائماً خلع با لبس همراه و مقارن محسوب می‌شود، چه اتصالی بین ایجاب و قبول باشد و چه نباشد (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۳: ۱۵۹).

۳. همان‌گونه که محقق نایینی پذیرفته است، سیره قطعی بر عدم اعتبار موالات وجود دارد، چرا که مشاهده می‌کنیم بعضی مردم هدایایی را از مناطق دوردست برای افراد ارسال می‌کنند و بعد از فاصله طولانی به دست طرف مقابل می‌رسد (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۳: ۱۵۹). محقق نایینی در مورد شرط موالات در عقود عهدی تردید کرده، در حالی که اگر دلیل عقلی برای اثبات موالات صحیح است، ایشان نباید در مورد عقود عهدی تردید کند، زیرا از نظر ایشان، عقود عهدی از انواع عقود است و با وجود پذیرش دلیل عقلی بر لزوم اتصال بین ایجاب و قبول، جایی برای تردید در شرطیت توالی و لزوم اتصال در عقود عهدی باقی نمی‌ماند (خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۳۴۲).

۴. اگر با انجام دادن ایجاب خلع صورت بگیرد، سلطنت مالک از ملک قطع می‌شود و حق «لبس» نخواهد داشت (خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۳۴۲) البته ظاهراً این اشکال بر محقق نایینی وارد نیست، زیرا از نظر او خلع و لبس در یک زمان صورت می‌گیرد؛ یعنی مالک در زمانی که ملکیت مثنی را از خود «خلع» می‌کند، ملکیت مثنی را می‌پذیرد.

۵. مسئله بیع که همان تملیک و تملک است، یک امر اعتباری عرفی محسوب می‌شود و تمام اجزا و اسباب آن نیز با در نظر گرفتن امور عرفی و مبتنی بر عرف اعتبار شده‌اند. بنابراین دخالت دادن روش عقلی در اعتباریات عرفی، برخلاف روش تحقیق است. این اشکال نیز در سخن امام خمینی مطرح می‌شود (خمینی امام، ۱۴۱۵، ج ۱: ۳۴۲).

۶. حتی بنا بر صحت بررسی مسئله ایجاب و قبول با روش عقلی، با فاصله افتادن قبول، محذوری پیش نمی‌آید؛ زیرا خلع و لبس هر دو فعل ایجاب‌کننده‌اند و همه حقیقت معامله همین است و اما قبول‌کننده در واقع تأثیر معامله را قبول می‌کند و هیچ خلع و لبسی در طرف قبول انجام نمی‌گیرد؛ بلکه به همان خلع (تملیک) و لبس (تملک) که از

ایجاب‌کننده صادر شده است، رضایت می‌دهد در نتیجه هرگز بین خلع و لبس فاصله‌ای نمی‌افتد (خمینی امام، ۱۴۱۵، ج ۱: ۳۴۲؛ طاهری خرم‌آبادی، ۱۴۱۸: ۳۱۵).

### تطبیق ادله و بررسی تحقق توالی در قرارداد الکترونیکی

گذشته از نقد ادله شرطیت توالی و ضعف آنها، اگر این ادله را با نگاه به قرارداد الکترونیکی مطالعه کنیم، خواهیم دید که این ادله شامل قرارداد الکترونیکی نمی‌شود؛ زیرا منظور از فاصله بین ایجاب و قبول، یک فاصله عرفی است که ملاک آن بر هم زدن بافت اتصالی عقد بوده است، به گونه‌ای که عرفاً ارتباط بین قبول با ایجاب روشن نباشد؛ در حالی که می‌دانیم دائماً در قرارداد الکترونیکی بین ایجاب و قبول در فضای مجازی ارتباط روشن و متصل وجود دارد، به گونه‌ای که انشای قبول در سامانه الکترونیکی اگر واقع شود، فقط به قبول برای ایجاب موجود در آن سامانه معنا می‌شود و نه چیز دیگر. اساساً تصور فاصله بین ایجاب و قبول در فضای مجازی و در سامانه طراحی شده تصورشدنی نیست.

آنچه در قرارداد الکترونیکی منشأ شبهه می‌شود، وجود فاصله زمانی بین انشای شخص اصل ساز (ایجاب‌کننده) و انشای قبول است، در حالی که قرارداد الکترونیکی یا به صورت آنلاین و برخط منعقد می‌شود که در این صورت شخص قبول‌کننده با شخص ایجاب‌کننده یا با نماینده الکترونیکی او وارد معامله خواهد شد یا به صورت آفلاین است که در این صورت شخص قابل در فضای طراحی شده و در پی ایجاب اصل ساز دست به انشای قبول می‌زند. در هر دو صورت (آنلاین و آفلاین) باقی بودن سامانه و فضای مجازی سبب بقای حیات و بافت اتصالی ایجاب و قبول است و هیچ فاصله‌ای تحقق‌پذیر نیست.

البته در مواردی که هنوز ایجابی از سوی اصل ساز تحقق نگرفته یا تاریخ تعیین شده در سامانه منقضی شده است، به دلالت داخلی سامانه، انشای ایجاب وجود ندارد یا از اعتبار افتاده و دیگر باقی نمانده است تا با اتصال قبول از سوی قبول‌کننده، سبب انعقاد عقد فراهم شود.

توضیح اینکه انجام دادن قرارداد الکترونیکی دارای مراحل متعددی است که عبارتند از:

۱. فراخوان عمومی (ایجاب عام): منظور مرحله‌ای است که اصل ساز با یک اعلام عمومی در فضای مجازی به فروش و قرارداد اقدام می‌کند. در این مرحله امکان ایجاب



صحیح وجود ندارد، زیرا این‌گونه اقدامات که دارای مخاطب عام است، در حکم فراخوان و دعوت به معامله خواهد بود. بنابراین وجود فاصله بین این مرحله با قبول، از نوع فاصله بین ایجاب و قبول محسوب نمی‌شود.

۲. فراخوان خاص (ایجاب خاص): این مرحله پس از مرحله اول است که شخص مشتری آمادگی خود را برای خرید اعلام و اصل ساز ادامه روند معامله را از او مطالبه می‌کند؛ مثل اینکه پس از اعلام آمادگی مشتری، گزینه‌ای در صفحه رایانه مشاهده می‌شود که همان مشتری را برای انجام دادن اموری مثل تعیین جنس مورد نظر یا تکمیل فرم مربوط یا واریز وجه فرامی‌خواند. در این مرحله ایجاب و قبول انجام می‌پذیرد و مراحل قبلی در حکم مذاکرات پیش‌قراردادی است.

در این مرحله بنا بر اشتراط توالی و لزوم اتصال بین ایجاب و قبول، معامله صحیح است، زیرا اساساً فاصله‌ای بین ایجاب و قبول متصور نیست و هر دو در فضای مجازی در پی هم قرار گرفته‌اند.

اگر به هر دلیلی این مقدار را کافی ندانیم، نباید فاصله غیرمتعارفی بین توافق با مشتری تا قبول و ارسال مشخصات خواسته‌شده اتفاق بیفتد و در صورت ایجاد فاصله بین ایجاب و قبول (همان‌گونه که در برخی پایگاه‌های اینترنتی دیده می‌شود) باید انشا و درخواست جدیدی از سوی اصل ساز انجام گیرد تا بقای توافقات و التزام اصل ساز بر تعهد پیشین احراز شود و پیداست که آنچه ایجاب عقد محسوب می‌شود، همین اعلام فعلی است.

۳. مطالبه التزام: این مرحله پس از انجام دادن توافقات لازم و طی مراحل قبل است. به این صورت که چنانچه در تراکنش‌های بانکی اشکالی ایجاد شود، طرف اصل ساز به اعاده عملیات فرامی‌خواند. این مرحله در واقع مرحله انجام دادن التزامات است و البته اگر در مراحل قبل اشکالی در تحقق ایجاب انجام گرفته باشد، در این مرحله اگر طرف قبول، اقدام به اقتضای تقاضای اصل ساز کند، چنانچه با آگاهی از عدم تحقق ایجاب و قبول در مراحل قبل باشد، همین اقدام طرفین به‌عنوان ایجاب و قبول خواهد بود. زیرا همه شرایط ایجاب و قبول را دارد و هر دو طرف با قصد انشای معامله، به ادامه مراحل عقد اقدام کرده‌اند.

### نتیجه‌گیری

نتیجه مطالب ارائه شده این است که دلیلی بر بطلان عقود الکترونیکی از جهت شرطیت توالی بین ایجاب و قبول وجود ندارد، زیرا:

اولاً از آنجا که عنوان عقد بر ایجاب و قبول دارای فاصله، ولی مرتبط با هم صدق می‌کند و ادله‌ای که برای اثبات شرطیت توالی جمع‌آوری کردیم، فاقد اتقان و برخلاف متفاهم عرفی از عقد است؛ جایی برای شک در شمول عمومات نسبت به عقود الکترونیکی نخواهد بود. علاوه بر اینکه اصل بر عدم شرطیت در اموری است که دخالتی در صدق عنوان عقد ندارند. ضمن اینکه اجماع و اتفاقی در مورد شرطیت توالی وجود ندارد، اگرچه در برخی از عصرها و با تأثر از آرای برخی فقیهان بزرگ مثل علامه، در عصر کوتاهی بین فقیهان اتفاقی حاصل شده، با مخالفت و نقد برخی فقیهان بزرگ مثل محقق اردبیلی این اتفاق شکسته و پس از او دیگر شکل نگرفته است.

ثانیاً آنچه در عقد در راستای شرط توالی دارای اعتبار است، عدم فاصله زمانی نیست بلکه بقای طرف ایجاب (موجب) بر التزامی است که در هنگام ایجاب ابراز کرده است و چنانچه حتی با فاصله عرفی هنگام ابراز قبول از سوی طرف دیگر، همان التزام طرف ایجاب باقی باشد، برای انعقاد عقد، کفایت می‌کند و آنچه مهم است عدم اعراض طرف ایجاب است. محقق اصفهانی و سید حکیم و امام خمینی و نیز محقق خوئی و برخی دیگر بر این عقیده‌اند و کسانی که به لزوم موالات تصریح کرده‌اند، اما ملاک موالات را اعراض شخص ایجاب‌کننده دانسته‌اند و در صورت انتظار قبول وجود فاصله را مبطل ندانسته‌اند، داخل همین دسته خواهند بود؛ مثل سید یزدی و برخی دیگر (یزدی، ۱۴۲۱، ج ۱: ۹۰؛ تبریزی، ج ۲: ۱۸) و از آنجا که سامانه‌های طراحی شده برای عقد قرارداد در فضای مجازی، دلالت روشن بر بقای اصل ساز بر انشای خود است و قبول عقد نیز در همان فضای طراحی شده انجام می‌گیرد، فاصله‌ای بین ایجاب و قبول اتفاق نمی‌افتد.

علاوه بر اینکه اگر موالات را شرط دانسته و این مقدار از ارتباط بین ایجاب و قبول را هم کافی ندانیم، امکان رعایت این شرط بین طرفین عقد وجود دارد؛ خصوصاً اگر به صورت برخط انجام گیرد و چنین نیست که شرط توالی رعایت‌شدنی نباشد. بنابراین طبق همهٔ انظار می‌توان قرارداد الکترونیکی را از جهت شرط توالی صحیح دانست.

## منابع

۱. احسائی، ابن ابی‌جمهور، محمد بن علی (۱۴۱۰ ق). *الأقطاب الفقهیة علی مذهب الإمامیة*، قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی قدس سره.
۲. اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ ق). *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان*، جلد ۱۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیة قم.
۳. اصفهانی، محمد حسین کمپانی (۱۴۱۸ ق). *حاشیة کتاب المکاسب (للأصفهانی، ط - الحدیث)*، جلد ۵، قم: أنوار الهدی.
۴. امامی، سید حسن (بی‌تا). *حقوق مدنی*، جلد ۶، تهران: انتشارات اسلامیة.
۵. انصاری، شیخ مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵ ق). *کتاب المکاسب (للشیخ الأنصاری، ط - الحدیث)*، جلد ۶، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۶. آملی، میرزا محمد تقی (۱۴۱۳ ق). *المکاسب و البیع (تقریرات درس محقق نایینی)*، جلد ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیة قم.
۷. بحرانی، آل‌عصفور، حسین بن محمد (بی‌تا). *الأنوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع (للفیض)*، جلد ۶، قم: مجمع البحوث العلمیة.
۸. بحرانی، آل‌عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ ق). *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، جلد ۲۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیة قم.
۹. تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۶ ق). *منهاج الصالحین*، جلد ۲، قم: مجمع الإمام المهدی (عج).
۱۰. توحیدی تبریزی، محمد علی (۱۴۲۶ ق). *مصباح الفقاهة (تقریرات درس محقق خویی)*، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخویی قدس سره.
۱۱. جزائری، سید محمد جعفر مروج (۱۴۱۶ ق). *هدی الطالب فی شرح المکاسب*، جلد ۷، قم: مؤسسه دارالکتاب.
۱۲. حائری، سید محمد مجاهد طباطبایی کربلایی (بی‌تا). *کتاب المناهل*، قم، مؤسسه آل‌البيت.

۱۳. حر عاملی، شیخ محمدبن حسن (۱۴۱۴ ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل‌البت للاحیاء التراث.
۱۴. حسینی عاملی، سید محمد جوادبن محمد (۱۴۱۹ ق). مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العالمه (ط - الحدیثه)، جلد ۲۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۵. حکیم، سید محسن طباطبایی (۱۴۱۶ ق). مستمسک العروه الوثقی، جلد ۱۴، قم: مؤسسه دارالتفسیر.
۱۶. ----- (۱۳۷۱ ق). نهج الفقاهه (شرح بر مکاسب شیخ انصاری)، نجف، چاپ سربی: بی‌نا
۱۷. حلبی، ابن زهره، حمزه بن علی حسینی (۱۴۱۷ ق). غنیة النزوع الی علمی الأصول و الفروع، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۱۸. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۴ ق). تذکره الفقهاء (ط - الحدیثه)، جلد ۱۴، قم: مؤسسه آل‌البت.
۱۹. ----- (۱۴۱۳ ق). قواعد الأحکام فی معرفه الحلال و الحرام، جلد ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۰. ----- (۱۴۱۹ ق). نهاییه الإحکام فی معرفه الأحکام، جلد ۲، قم: مؤسسه آل‌البت (ع).
۲۱. حلّی، فخرالمحققین، محمدبن حسن بن یوسف (۱۳۸۷ ق). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، جلد ۴، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۲. حلّی، مقدادبن عبدالله سیوری (۱۴۰۴ ق). التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، جلد ۴، قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۲۳. ----- (۱۴۲۵ ق). کنز العرفان فی فقه القرآن، جلد ۲، قم: انتشارات مرتضوی.
۲۴. ----- (۱۴۰۳ ق). نضد القواعد الفقهیة علی مذهب الإمامیه، قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

۲۵. خمینی (امام) روح‌الله (۱۳۷۴). *المکاسب المحرمه*، جلد ۲، ط الاولی، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام خمینی.
۲۶. ----- (۱۴۱۵ ق). *کتاب البیع، الطبعة الخامسة*، جلد ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۷. خمینی، سید مصطفی موسوی (بی‌تا). *مستند تحریر الوسیله*، جلد ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
۲۸. خوانساری، موسی بن محمد نجفی (۱۳۷۳ ق). *منیه الطالب فی حاشیه مکاسب*، تقریرات درس محقق نایینی، جلد ۲، تهران: المکتبه المحمدیه.
۲۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد بن المفضل (۱۴۰۴ ق). *المفردات*، تهران: دفتر نشر کتاب.
۳۰. روحانی قمی، سید صادق حسینی (۱۴۱۲ ق). *فقه الصادق علیه السلام*، جلد ۲۶، قم: دارالکتاب - مدرسه امام صادق علیه السلام.
۳۱. ----- (۱۴۲۹ ق). *منهاج الفقاهه (لروحانی)*، جلد ۶، قم: انوارالهدی.
۳۲. سبزواری، محقق، محمد باقر بن محمد مؤمن (۱۴۲۳ ق). *کفایه الأحکام*، جلد ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۳. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی (۱۴۱۷ ق). *المسائل الناصریات*، تهران: رابطه الثقافه و العلاقات الإسلامیه.
۳۴. شهیدی تبریزی، میرزا فتاح (۱۳۷۵ ق). *هدایه الطالب إلى أسرار مکاسب*، جلد ۳، تبریز، چاپخانه اطلاعات.
۳۵. طاهری خرم‌آبادی (۱۴۱۸ ق). *کتاب البیع (تقریرات درس امام خمینی)*، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
۳۶. طاهری، حبیب‌الله (۱۴۱۸ ق). *حقوق مدنی*، جلد ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۷. طرابلسی، ابن‌براج، قاضی عبدالعزیز (۱۴۰۶ ق). *المهذب (لابن البراج)*، جلد ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۳۸. طوسی شیخ الطائفه، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۳۸۷ ق). *المبسوط فی فقه الإمامیه*، جلد ۸، تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
۳۹. ----- (۱۴۰۷ ق). *تهذیب الأحكام*، جلد ۱۰، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۴۰. طوسی، محمدبن علی بن حمزه (۱۴۰۸ ق). *الوسیلة إلى نیل الفضیلة*، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۴۱. عاملی، شهید اول محمدبن مکی (بی تا). *القواعد و الفوائد*، جلد ۲، قم: کتابفروشی مفید.
۴۲. عاملی، شهید ثانی زین الدین بن علی (بی تا). *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة* (دوره ۱۰ جلدی) جلد ۳، بیروت: دارالعلم الاسلامی.
۴۳. ----- (۱۴۲۲ ق). *حاشیة شرائع الإسلام*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۴۴. ----- (۱۴۲۱ ق). *رسائل الشهيد الثاني (ط - الحديثة)*، جلد ۲، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۴۵. ----- (۱۴۱۳ ق). *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*، جلد ۱۵، چ اول، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
۴۶. فقحانی، علی بن علی بن محمدبن طی (۱۴۱۸ ق). *الدر المنضود فی معرفة صیغ النیات و الإیقات و العقود*، قم: مكتبة إمام العصر (عج) العلمیه.
۴۷. قدیری، محمد حسن (۱۳۷۶). *كتاب البيع (تقریرات درس امام خمینی)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
۴۸. قمی، سید تقی طباطبایی (۱۴۱۳ ق). *عمدة المطالب فی التعليق علی المكاسب*، جلد ۴، قم: کتابفروشی محلاتی.
۴۹. ----- (۱۴۲۶ ق). *مبانی منهاج الصالحین*، جلد ۱۰، قم: منشورات قلم الشرق.
۵۰. کرکی عاملی، محقق ثانی، علی بن حسین (۱۴۱۴ ق). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، جلد ۱۳، قم: مؤسسه آل البيت.

۵۱. مامقانی، محمد حسن بن الملا عبدالله (۱۳۱۶ ق). *غایه الآمال فی شرح کتاب المكاسب*، جلد ۳، قم: مجمع الذخائر الإسلامية.
۵۲. محقق داماد یزدی، سید مصطفی (بی تا). *بررسی فقهی حقوق خانواده - نکاح و انحلال آن*، قم: بی نا.
۵۳. موسوی قزوینی، سید علی موسوی (۱۴۲۴ ق). *ینابیع الأحكام فی معرفه الحلال و الحرام*، جلد ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵۴. یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی (۱۴۲۱ ق). *حاشیه المكاسب*، جلد ۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان.